



۲۰۱۸/۱۱/۲۱



داؤد موسی

سر زمین بی سوادان



سر و کار این نوشته با تقریباً هشتاد و چند در صد سکنه کشور ما که از "جور فلک جفا کار" یا عملکرد دشمنان خارجی یا داخلی از نعمت خواندن و نوشتن محروم مانده اند نبوده، بلکه مرادم از کم و بیش از همان پانزده در صدیست که عمال حکومتی ما در عالم بی احصائیکگی داد از با سوادى آنها می زند. در واقع بی سوادى همین اقلیت "با سوادان افغانی" ما موجب بروز جلو گسیختگی های فراوانی در طرز نوشتار و حتی گفتار ما گردیده است که می خواهم در پایین تا حد ممکن به شرح شان بپردازم.

۱. پنج یا شش کمپنی خصوصی مخابراتی (تلفون) در کشور ما فعالیت دارند که تعداد کارمندان شان (اعم از داکتر و پروفیسر تا چپراسی) به ده ها هزار تن بالغ می گردد. هر چند گاهی که می خواهیم با کدام تلفون دیگری در تماس شویم، چنین یک پیام خبریه به گوش ما میرسد:

"شماره ای را که شما می خواهید با آن در تماس شوید، خاموش می باشد".

این جمله مثل همه جملات دیگر در زبان دری/فارسی شامل یک مبتدا (شماره ای که شما میخواهید با آن در تماس شوید) و یک خبر (خاموش میباشد) است. اما قدر مسلم اینکه در زبان ما حرف (را) تنها با حالت مفعولی بکار میرود، در حالی که در جمله فوق شماره مورد نظر ما خاموش (فاعل) است. پس باید گفته شود "شماره ای که شما می خواهید با آن در تماس شوید خاموش می باشد".

یک مثال ساده تر حالت فاعلی: "شخصی که تو می خواهی ببینی گریخته است". و حالت مفعولی آن "شخصی را که تو می خواهی ببینی گریخته اند" می باشد. این یک حالتی است که از میان هزاران تن از نخبگان ما یکی هم متوجه آن نشده است.

۲. یک پلاکی بر روی دیوارهای بعضی اماکن مورد استفاده عامه به این مضمون دیده می شود:

"از کشیدن سگرت معذرت می خواهیم". در اینجا اگر مراد آویزندگان چنین باشد که گویا خود شان میل به کشیدن سگرت ندارند، همین متن درست است. اما نیک میدانیم که آنها در نظر دارند تا ما را از کشیدن سگرت منع کنند. پس بهتر است بنویسند: "سگرت کشیدن ممنوع می باشد" یا "لطفا سگرت نکشید".

۳. از قدیم الایام کاربرد کلمات (جمع الجمع) از قبیل (موادات، امورات، اربابان، مشکلاتها، مایان، شمایان و غیره (ورد زبان و قلم همین "با سوادان افغانی" ما بود. ولی درین یکی دو دهه یافته های مدرن (عملیاتها و انتخاباتها) بر آن علاوه گردیده است. در اوائل همین هفته آقای جواد صمیمی که یکی از نطقان کار آزموده پروگرام دری بی بی سی می باشند، لفظ (مراسم ها) را نیز برین گنجینه لغوی افزودند. باید گفت که کاربرد کلمات جمع الجمع تنها در الفاظ عربی - آنهم خیلی به ندرت - مورد استعمال دارد. مثلاً (کلب) به معنی سگ. (کلاب) جمع آنست. علاوه برین (اکالیب) نیز جمع الجمع (کلاب) است. (عارض) جمع آن (عوارض) و جمع الجمع آن (عوارضات) و (سطر) جمع آن (سطور) و جمع الجمع آن (اساطیر) است.

۴. تنوین تنها در کلمات عربی الاصل مجاز می باشد. مثل (قاعده یا قاعدتاً، لزوماً، مجملاً و غیرهم). اما در میان "با سوادان افغانی" ما کاربرد الفاظ (تلفوناً، تلگرافاً، فکساً، پیشنهاداً و ای میلاً) نیز نه تنها باعث تعجب اکثر شان نمی گردد، بلکه موجبات تقلید آن توسط "نو باوه با سوادان افغانی" را نیز فراهم می نماید.

۵. الفبای دری و فارسی شامل هشت حرف عربی (ث، ح، ص، ض، ط، ظ، ع و قاف) می باشد. معکوساً الفبای عربی فاقد چهار حرف فارسی و دری (پ، چ، ژ و گ) است. پس هر لفظی که دارای یکی از حروف خاص عربی باشد، آن لفظ لزوماً عربی بوده و اگر حاوی حروف خاص فارسی باشد، غیر عربی شمرده می شود. پس قاعده باید وجود حروف خاص عربی و دری در یک کلمه مجاز نباشد. اما درین قاعده استثنائاتی وجود دارد که اکثریت شان شامل حرف (ق) می باشند. از قبیل (یتق، تیق، قارچ، سمارق، پچق، چقمق، چاقچور، جچق، قنچوغه، قرمچ، قیماق و غیره) پس نوشتن الفاظ (طپانچه، پطرول، سالون و طپیدن) مأخوذ از قاموس "باسوادان افغان" میباشد.

۶. با ظهور دفاتری که فورمه های اخذ ویژه ممالک خارجی در کابل و ولایات را تهیه می نمایند، لفظ (خانه پوری) جای (خانه پُری) را گرفته است. این عمل و اعمال امثال آن تنها و تنها ناشی از عملیه سپردن امر لوحه نویسی به "با سوادان افغانی" می باشد. در واقع، کاربرد تکنالوجی ساختن الواح روی سرک ها (پلیوردها) توسط ماشین به کشور ما، لطمه بزرگی به هنر خطاطی و خوش نویسی زده است.

۷. در زبان های فارسی/دری، عربی و بعض زبان های گروپ لاتین کلمات مبتدی به ساکن وجود ندارد. پس اگر متکلمین بومی این زبان ها در تلفظ چنین کلمات اشکالی داشته باشند، قابل فهم است. مثال های چنین کلمات در زبان پشتو (سکاره، سکور، سپما، شپون) و غیره و در زبان انگلیسی الفاظ (ستیر Stair، ستیک Steak، ستندرد Standard، ستراتیجی Strategy و امثالهم) می باشد. اما در حالیکه این کلمات را دری/فارسی زبانان ما بالترتیب (اسکاره، اسکور، اسپما، اشپون، استیر، استیک، استندرد و استراتیجی) تلفظ می نمایند، معلوم نیست چرا در نوشتن هم همین حرف (الف) اضافی را بران علاوه می نمایند. زیرا اگر کلمه اخیر را (ستراتیجی) هم بنویسیم، همین ها آنرا (استراتیجی) تلفظ می نمایند. عجب تر هم این که یکی از کانون های مهم زبان پشتو که تلویزیون (لمر) باشد، نام خود را به زبان انگلیسی بجای (Lmar)، همواره (Lemar) می نویسد. چنین یک بی سوادی از چنان یک مرکزی مطلقاً قابل قبول بوده نمی تواند.

۸. در گرامر زبان عربی برای افعالی که معنی عمل دو جانبه (متقابل) را ارائه نمایند، باب های (تَفَاعُل) و (مُفَاعَلَه) به کار می رود. مثل (مُجَادَلَه، تَجَادُل، مُبَادَلَه، تَبَادُل، مُقَاتَلَه، تَقَاتُل و غیره). اما لفظ (تَبَادُلَه) که بر لوحه

دکان تمام صرافان کشور ما دیده می شود، نه این است و نه آن. چون زورم به کاربران این "بدیعه" نمی رسد، دعا می کنم که خدا خانه مبتدع آن را خراب کند.

۹. ارتباط کلمات غیر عربی با الفاظ عربی توسط الف و لام. این طرز نویسندگی نیز کم و بیش بین "با سوادان افغانی" ما رائج است اما نا جائز. از قبیل (حسب الفرمایش، ممنوع الفروش، قابل الکرایه، مختلف السایز) و غیره.

۱۰. از چند دهه به این سو، بعد ازین که استادان اصول انشاء ایرانی نوشتن بعض کلمات مهموز (همزه دار) عربی را با (ی) بجای همزه مجاز شمردند، همین رسم در کشور ما نیز رواج یافت. این کلمات از قبیل (مایل، شمایل، مسایل و جایز) می باشند که شکل عربی شان بالترتیب (مائل، شمائل، مسائل و جائز) می باشد. اما امروز کلمات از قبیل (توطئه و ارائه) را نه تنها (توطیه و ارایه) می نویسند، بلکه به همین صورت تلفظ نیز می کنند.

۱۱. کاربرد لفظ (یک) با (یا) ی وحدت. مثال آن (یک قسمتی از زمین، یک چند زمانی، یک هنگامه بزرگی و غیرهم) بالترتیب بجای (یک قسمت از زمین، یک چند زمان، یک هنگامه بزرگ)، یا (قسمتی از زمین، چند زمانی، هنگامه ای بزرگ) و غیره می باشد.

۱۲. به همین منوال کاربرد (یای وحدت) با کلمات جمع نیز درست به نظر نمی خورد. مثل (کلماتی را خواندم) یا (اشخاصی را دیدم) که در حقیقت بالترتیب به معنی (یک کلمات را خواندم) و (یک اشخاص را دیدم) بجای (کلمات را خواندم) و (اشخاص را دیدم) و امثالهما. اما این سلوک نوشته خریدار زیاد تر دارد.

۱۳. بالاخره در نظر داشت توان فهم اطفال ما. نوشتن کلمات مرکب و بهم پیوسته از قبیل (بهمینطور، بهیچوجه، همانطوریکه و غیره) را بعضی از ما بدون اعتناء به این که خواندن آن برای اطفال نو خوان و نو نویس اشکالی را بوجود می آورد، می نویسیم. این را تنها به پاس خاطر همین نوباوگان ما - آن هم من حیث یک توصیه نوشتم. الله یاور.



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

سر زمین بی سوادان

D_moosa_sarzamin_bey_sewaadaan.pdf